

دوشنبه ۵ مهر ۱۳۹۵
۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۷
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۶
سال بیست و نهم / شماره ۸۲۲۵
پست الکترونیک:
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

یادداشت شفاهی

شکوهی پایان ۷ هزار زن

زندگی / سردار ابوالفضل مسجدی

بانوان، دوشادوش مردان نقشی اساسی در شکل گیری انقلاب اسلامی داشتند؛ اینان با رهنمودهای امام(ره) به صحنه آمدند و شخصیت اصلی خود را در جامعه پیدا کردند. هویت و شخصیتی که امام(ره) به بانوان بخشید، حضور آن‌ها را در جامعه پر رنگ کرد. اینان پس از شکل گیری انقلاب اسلامی و تحمیل جنگ، نقش بسیار فعالی در جبهه ایفا کردند.

در چنین روزهایی ارتش بعث عراق با ۱۹۲ هوایمافروگاه‌های تهران، دوشان تپه، تبریز، اصفهان، دزفول، اهواز و بسیاری از شهرهای دیگر را مورد حمله قرار داد و هنگامی که به اهداف خود نایل نیامد، با ۲۲۲ هزار نیروی نظامی جنگ را با کمک مستکبران جهانی و بلوک غرب و شرق و مرتجعان عرب بر ما تحمیل کرد و وارد سرزمین اسلامی ما شد.

در چنین شرایطی در کنار مردانی که در مقابل ارتش بعث ایستادگی و مقابله کردند، شاهد حماسه آفرینی شیرزانی بودیم که در کرمانشاه، ایلام، خوزستان، دارخوین سوگند و... در مقابل دشمن مردانه ایستادند.

از سویی وقتی درگیر گروه‌های منافق معاند و تجزیه طلب در کردستان و شهرهای مختلف کشور بودیم، این بانوان بودند که دوشادوش مردان از حیثیت و ارزش‌های نظام دفاع کردند. پس از آنکه امام(ره) آموزش و حضور در کنار نیروهای مسلح در جبهه‌ها را واجب کفایی اعلام کردند، زنان بالاترین پشتیبانی از مردها را در جبهه داشتند. اگر این حمایت‌ها نبود، امکان توفیقات مردان نیز میسر نمی‌گردید.

آن‌ها در فرم‌های دوشادوش مردان اسلحه به دست می‌گرفتند و تا پای شهادت پیش می‌رفتند. بسیاری از آن‌ها همسر و همگام با شهید چمران در جنگ‌های نامنظم ماهشهر و آبادان و سوگند و... با دشمن می‌جنگیدند. در کنار

این زنان قهرمان، عده‌ای نیز در شهرها و یا در بیمارستان‌های صحرایی زیر بمباران شدید از رزمندگان پرستاری کرده و آن‌ها را مداوا می‌کردند.

عده‌ای نیز مشوق حضور فرزندانشان برای دفاع از کیان اسلامی ما بودند. در این میان نه تنها مسایلی عاطفی سبب نمی‌شد زنان مانعی برای جهاد و فرزندانشان بشوند، بلکه آن‌ها را تجهیز و توصیه به حضور در جبهه‌ها می‌کردند. من مادری را سراغ دارم که چهار فرزندشان در جبهه بود و همسرشان را نیز برای حضور در میدان نبرد تشویق می‌کردند. خاطر خرم نامی که یکی از خانم‌ها خطاب به همسرش نوشته و در آن اشاره کرده بود که: «من به تو خیلی علاقه دارم و تو را دوست دارم، اما چه کنم

عده‌ای نیز مشوق حضور فرزندانشان برای دفاع از کیان اسلامی ما بودند. در این میان نه تنها مسایلی عاطفی سبب نمی‌شد زنان مانعی برای جهاد و فرزندانشان بشوند، بلکه آن‌ها را تجهیز و توصیه به حضور در جبهه‌ها می‌کردند. من مادری را سراغ دارم که چهار فرزندشان در جبهه بود و همسرشان را نیز برای حضور در میدان نبرد تشویق می‌کردند. خاطر خرم نامی که یکی از خانم‌ها خطاب به همسرش نوشته و در آن اشاره کرده بود که: «من به تو خیلی علاقه دارم و تو را دوست دارم، اما چه کنم

که اسلام را بیشتر دوست دارم و برای دفاع از اسلام به تو توفیق به جبهه برو». این عاطفه‌ها جایگزین خواسته‌های اسلامی آن‌ها نمی‌شد. حمدا خاطرهای از دیدار مادر ۴ شهید با امام (ره) را خوانده‌اید. وقتی این مادر به محضر ایشان رسید، دو زانو بر روی امام نشست و عکس شهید اول خود را از زیر چادرش بیرون آورد و گفت: این فرزند اولم محسن بود، عکس شهید دوم را از زیر چادر بیرون آورد و روی عکس اول گذاشت و گفت: این فرزند دوم محمد دو سال از محسن کوچکتر بود. وقتی خواست عکس سوم را بیرون بیاورد دید ششانه‌های حضرت امام(ره) از گریه می‌ریزد. عکس‌ها را برداشت، گذاشت زیر چادر و گفت: «مام من ۴ جوان دارم تا اشک شما را بنیمن. درک می‌کنم که در دامن آن‌ها رشد پیدا کرده‌اند.

در دوران دفاع مقدس ۷۰۰۰ شهید زن تقدیم انقلاب کردیم. تعدادی از آن‌ها در جبهه‌ها و شهادت رسیدند و تعدادی در پشت جبهه‌ها و زیر بمباران‌های دشمن، اما با این حال در همه حال، زنان با ایثار فرزندانشان را تربیت کردند و اجازه ندادند یاد و خاطره همسران شهیدشان فراموش شود.

و اینک بانوانی که دوران دفاع مقدس را در کرده‌اند، پندای انقلاب و اهداف آن ایستاده‌اند و کسانی که در دامن آن‌ها رشد پیدا کرده‌اند فرزندان‌شان را برای دفاع از اسلام و حرم اهل بیت علیهم‌السلام به میدان‌های نبرد در عراق و سوریه می‌فرستند. باید یاد و خاطره آن‌ها زنده باشد. متأسفانه آنگونه که باید و شاید از آن شیرزنان انقلاب اسلامی تقدیر و یاد نشده است. باید خاطرات این حماسه آفرینی‌ها و مجاهدت‌ها باقی بماند، چرا که به یقین هیچ نسلی پس از واقعه کربلا همانند زنان ما را به خود ندیده است. باید حماسه آفرینی این شیرزنان که ارزش آن کمتر از مجاهدت‌های مردان مسا نبود را با فعالیت‌های فرهنگی به جهانیان نشان دهیم.

مسئول روابط عمومی سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج کشور

دامن‌های آسمانی

زندگی / رویا صداقت | به آسمان رسیدگان می‌دانند که چگونه در هوای چنین مقامی نفس می‌کشند و چگونه از میان هزاران راه‌نارنگ، راهی روشن را برگزیده‌اند.



آن‌ها که هر روز طعم زلال عشق را از وجود زنی با دامن‌های آسمانی چشیده‌اند و با نگاه‌های مهربانش پنجره‌های گشوده‌اند، از خویش تا خدا، زنی که اکنون در آستانه بارش مهتاب ایستاده است به تماشا می‌نویسند که دیگر نیست.

ایستاده است تا گاهی قاصدکی بیاید و گاهی نسیمی بوزد و آن وقت او خود را در خیال داشتن صنوبرش رها کند. چقدر سخت است لحظه‌های انتظاری که هرگز به سر نخواهد رسید. زن ایستاده است با تمام نفس‌هایش، چنان که پیش از این نیز ایستاده بوده اما دیگر انگار راهی نیست. حالا او مانده است و خواب‌هایی از جنس اشتیاق، از جنس نور. «ای کاش‌ها» دیگر امیدار نمی‌آورند؛ اما او همچنان در سکوت هر غروب، در انتظار می‌نشیند تا شاید خورشید خاتمش طلوع کند. چقدر سخت برو خواهد گذشت؛ اما چه آسان خواهد بود برای صنوبرش که اکنون از آسمان دامن‌اوبه آسمان رفته‌است!

نسیم صبا

زندگی / الهه آر ایتان | قول دادن مهم نیست، مهم بر سر قول ماندن است. اینکه یادت بماند چه قولی داده‌ای و به آن عمل کنی، مهم است. وفای به عهد خصصت بزرگواران است. از امروز سعی کنیم خوش قول باشیم.

بهرنگزنگی

دو مادر

زندگی / فاطمه محمدزاده | یکم - نسرين خانم دست بهاره را گرفت و گفت: «همین جا می‌نشینی، نگویم هم نمی‌خوری.» بهاره ناگهانی به بچه‌ها انداخت که داشتند توی حیاط با هم بازی می‌کردند.

مهری خانم خواهرش را صدا زد و گفت: «نسرين جان! بساز بهاره بره با بچه‌ها بازی کنه.» نسرين خانم در قابلمه را برداشت و گفت: «نه خواهر! بره که چی بشه؟ باید یاد بگیره وقتی می‌ره مهمونی، یک جاش بنشینه.» مهری خانم با تعجب گفت: «اولی او ده‌سالشه.» نسرين خانم حرفی نزد و از آشپزخانه بیرون رفت.

مهری خانم از بهاره پرسید: «خوب خاله جان! چه خورا از مدرسه و درس؟» بهاره تا آمد حرف بزند، نسرين خانم گفت: «در ساش هم بد نیست.» مهری خانم به بهاره گفت: «خاله جان! بیا این طرف بشین کنار بچه‌ها.» نسرين خانم اخمی کرد و گفت: «نه مهری جان! بچه باید کنار مادرش بنشینه.»

نسرين خانم یک لباس مثل لباس خودش با اندازه‌های بهاره خرید و گفت: «دخترم! فردا این رو توی مهمونی می‌پوشی.» بهاره ناگهانی به لباس انداخت و گفت: «اما ماما! من این رنگ و مدل لباس رو دوست ندارم.»

نسرين خانم با عصبانیت گفت: «حق تو نداری نظر بدی. من هر چی بگم، همونه. من مادر تم. من بهتر می‌فهمم یا تو؟»

دوم - شيرين خانم وسط مهمه خانم گفت: «خانوما یک کم ساکت باشین! دخترم، شادی، می‌خواد شعر بخونه.» خانم‌ها ساکت شدند. شيرين خانم شادی را برد وسط مجلس و گفت: «عزیزم! همین جا وبسنا و بخون.» شادی شروع کرد به شعر خواندن.

بهاره با حسرت به دهان شادی نگاه می‌کرد. آخر شادی و بهاره هم‌سن هم بودند. شادی که شعرش را خواند، همه برایش دست زدند و او را تشویق کردند.



شيرين خانم گفت: «تازه این دخترم هم نقاشی می‌کنه!» و بعد به نگار اشاره کرد. شيرين خانم به نگار گفت: «دخترم! نقاشی‌ها رو بیا بر خانوما ببین!» نگار یک دسته کاغذ آورد و یکی یکی بین خانم‌ها پخش کرد. صدای آفرین! آفرین! آفرین! خانم‌ها همه مجلس رو پر کردند.

آخر مهمانی بود. نسرين خانم دست شيرين خانم را کشید و برد گوشه‌ای و گفت: «شيرين خانم! چرا این کار رو می‌کنی؟ بچه‌ها پررو نمی‌شن!» شيرين خانم لبخندی زد و گفت: «نه عزیزم!»

بچه‌ها احتیاج به تشویق و اعتماد به نفس دارن. ما نباید اونو را محدود کنیم. روحیه‌شون آسیب می‌بینه.» نسرين خانم حرفی نزد؛ فقط ناگهانی به بهاره انداخت و حسرت همه وجودش را پر کرد.

همراهان صمیمی

«خط زندگی» راهی برای امتداد یافتن ارتباط صمیمانه ما و شماست. هموار کردن این راه جز با تداوم همراهی تان ممکن نیست.

شما می‌توانید دیدگاه‌ها و آثار ارزشمندتان را برایمان ارسال کنید تا در خط زندگی منتشر شود.

عناوین هفتگی صفحات خط زندگی

شنبه‌ها: خانواده، بکشنه‌ها: دانش و فناوری، دوشنبه‌ها: بانوان، سه شنبه‌ها: دانش و فناوری، چهارشنبه‌ها: آشنیزی و پنجشنبه‌ها: طبیعت

راه‌های ارتباطی ما و شما در خط زندگی: شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۷۲۷۴

نشانی پست الکترونیک: zendegi@qudsonline.ir

فرمانده بسیج وقت خواهران سپاه آبادان در گفت‌وگو با قدس:

نقشی خانم‌ها در جنگ را نباید کمرنگ نشان داد

زندگی / مریم احمدی شش‌روان | در باور ما همیشه جنگ کاری مردانه است. اما انتشار کتاب‌هایی چون «شماره پنج» که نقش زنان در مقاومت آبادان را به تصویر می‌کشد، این باور را تغییر می‌دهد. «فاطمه جوشی» از زنان فعال در صحنه نبرد و شاهد عینی وقایع آن دوره است. خانمی که از ابتدای جنگ فرماندهی بسیج خواهران سپاه پاسداران آبادان را عهده‌دار بود و در دوران دفاع مقدس، بویژه در طول یک سال محاصره آبادان، نقش مهمی در سازماندهی خواهران این منطقه داشت. گفت‌وگوی ما با ایشان درباره روزهای ابتدای جنگ و نقش زنان در آن دوران است که از نظر می‌گذرانید.



قبل از حمله عراق به کشور، دوره‌های تکنیک و تاکتیک آموزش دیده و همان‌ها را آموزش می‌دادیم. شعار ما در کلاس‌ها این بود که همیشه فکر کنیم دشمن به ما حمله کرده و پشت سر ما ایستاده است. هنگام حمله عراق به کشور و تصرف خرمشهر و محاصره آبادان، بخاطر عرق دینی، ملی، مذهبی و حفظ اسلام و انقلاب و شهرمان این وظیفه دشوار بود. ما سخته‌ای که کار آشنا بودم، اما در زمان جنگ این مسؤلیت سخت‌تر و مشکلات بیشتر بود. ما خانم‌ها به این نتیجه رسیدیم که خون ما رنگین‌تر از خون برادران نیست. آن زمانی بود که باید می‌ماندیم و دفاع می‌کردیم تا یک وجب از خاکمان دست دشمن نیفتد. به همین دلیل همه سختی‌ها را تحمل کرده و ماندیم.

اگر هر کدام از ما خانم‌ها دنبال خوشی و راحتی بودیم، می‌توانستیم شهر را ترک کنیم چون اجباری بر حضور نبود. اما آن علاقه ملی و مذهبی سبب شد تمامی خانم‌ها در شهر مانده و به دفاع از آن بپردازند.

این فعالیت‌ها و نقش زنان آبادان در سال‌های ابتدای دفاع مقدس برایمان بگویید. این فعالیت‌ها و نقش‌ها خیلی زیاد و گسترده است. برای افراد نخستین کار خانم‌های خانه پختن غذا برای افراد ایستاده است. در جنگ هم همین شرایط بود. نخستین کاری که خانم‌ها عهده دار شدند پخت و پز غذا بود. تا پیش از آن کسی مسؤل این مهم نبود تا اینکه تعدادی از خانم‌ها در مسجد مهدی می‌رزد. عکس‌ها را برداشت، گذاشت زیر چادر و گفت: «مام من ۴ جوان دارم تا اشک شما را بنیمن. درک می‌کنم که در دامن آن‌ها رشد پیدا کرده‌اند.

فرزندان‌شان را برای دفاع از اسلام و حرم اهل بیت علیهم‌السلام به میدان‌های نبرد در عراق و سوریه می‌فرستند. باید یاد و خاطره آن‌ها زنده باشد. متأسفانه آنگونه که باید و شاید از آن شیرزنان انقلاب اسلامی تقدیر و یاد نشده است. باید خاطرات این حماسه آفرینی‌ها و مجاهدت‌ها باقی بماند، چرا که به یقین هیچ نسلی پس از واقعه کربلا همانند زنان ما را به خود ندیده است. باید حماسه آفرینی این شیرزنان که ارزش آن کمتر از مجاهدت‌های مردان مسا نبود را با فعالیت‌های فرهنگی به جهانیان نشان دهیم.

مسئول روابط عمومی سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج کشور

موعود(عج) به صورت خود جوش دور هم جمع شده و با همان مواد غذایی که در خانه‌ها پیدا می‌شد غذا پخته و تقسیم بندی می‌کردند و در خط مقدم تقسیم می‌کردند. این کار خیلی تأثیر مثبتی بر رزمندگان داشت. چون رزمندگانی بودند که دو روز است. غذایی برای خوردن نداشتند و نیاز به انرژی داشتند.

شستن شهادی زن در آبادان هم از فعالیت‌های مهم خانم‌های مبارز در آن سال‌ها بود. غسل‌های خانم از شهر بیرون رفته بودند و مسؤلیت شستن خانم‌های شهید با ما و خانم‌های بسیج بود. حتماً می‌دانید که یک سوم شهدای زن خوزستان از آبادان هستند. هر موقع خانمی شهید می‌شد، آقای شاکری مسؤل گلستان آبادان به بسیج دنبال نیروی خانم می‌آمدند و شهید زن سخته می‌شد.

نگهداری از شهدا در اوایل جنگ که ظرفیت سردخانه‌ها محدود بود هم از کارهای بسیار مهم و البته بسیار دشوار، آن هم برای خانم‌های کم سن و سال و جوان بود. در بیمارستان شهید بهشتی که در وسط شهر بود صندوق‌ها و سردخانه‌ها پر شده بود و شهدا در زمین نگهداری می‌شدند و خانواده از بدن‌های مظهرشان سرازیر می‌شد. آن هم در شرایطی که آب و برق نبود و شهر در تاریکی مطلق وجود داشت. جایجایی اجساد و نگهداری از آن‌ها با قالب‌های یخ برای بو نگرفتن و حفاظت از آن‌ها برای جلوگیری از هجوم حیوانات، برای خانم‌هایی که تا پیش از جنگ حتی یک جسد را از نزدیک ندیده بودند در شهر و شرایطی که کوچکترین صدا وهم و خیال به همراهِ داشت خیلی سخت بود.

وظیفه مهم دیگر خانم‌های بسیجی در پشت جبهه، همراهی شهدا بود. به خانم‌ها ابلاغ شده بود هر رزمندگانی که در بیمارستان شهید می‌شد باید کفن می‌شد، اسام و فامیل و روز و نحوه شهادت در کفن یادداشت می‌شد.

سپس از گل‌های باغ بیمارستان، روی پیکر مظهر شهید گذاشته و از در بخشی تا سردخانه یا ملوات اجازه تسبیح می‌شد. روزهای اول همه مخالف این کار بودند.

چون فاصله ما تا نیروهای عراقی کمتر از نیم کیلومتر بود و منطقه بمباران می‌شد. در تاریکی مطلق در دست باشد. نظراتن درباره چند حرکت کشتی صبحگاهی چیست؟ شاید پیش از خواب، ۱۰ دقیقه خوب خود را کش دهید. هدف این است که مثبت اندیشی و شکرگزاری را به زندگی تان بیاورید. اگر طرز فکر تان مثبت باشد به اهداف تان می‌رسید و از این فرایند لذت خواهید برد.

۲. برنامه تغذیه خود را ساده کنید. آخرین باری که شنیدید یک نفر از خوردن کلم جاق شده باشد کی بود؟ هیچ وقت درست است؟ بیش از حد درباره غذاها فکر نکنید. پیش از غذا خوردن از خود این سه پرسش ساده را بپرسید: می‌توانم بکارمش؟ می‌توانم برداشتمش کنم؟ می‌توانم بگرمش؟ اگر جواب نه است، پس آن غذا را نخورید.

۳. یک همراه مسؤلیت پذیر داشته باشید. جای هیچ شکی نیست داشتن کسی که به شما انگیزه دهد و مسؤلیت پذیر نگهتان دارد، شانس تان برای رسیدن به هدف را تا حدود زیادی افزایش می‌دهد، پس دست بکار شوید و چنین شخصی را پیدا کنید. همین که خواندن این سطور را تمام کردید به یکی از دوستان تان که هدفش با شما یکسان است پیام دهید. با هم قرار بگذارید که به یکدیگر کمک کرده و با هم به ورزش بپردازید.

۴. آنچه دوست دارید را انجام دهید و یک برنامه پشتیبان هم داشته باشید. روی فورم بوند باید لذت بخش باشد، نه چیزی که پشیمان‌تان کند.



سبب عذابتان شود. بهترین راه برای اینکه ورزش را تبدیل به سبکی از زندگی کنید این است: همیشه کاری که دوست دارید را انجام دهید. بدوید، در طبیعت قدم بزنید، شنا بزنید، یوگا و خیلی کارهای دیگر انجام دهید. از کلاس ورزش مورد علاقه خود مانند یک برنامه پشتیبانی استفاده کنید.

۴. آنچه دوست دارید را انجام دهید و یک برنامه پشتیبان هم داشته باشید. روی فورم بوند باید لذت بخش باشد، نه چیزی که پشیمان‌تان کند.

یادداشت

آموزش پزشکی در ایران



دکتر علیرضا پیراهمی؛ روانپزشک
 پیشرفت علم و فناوری طی سال‌های اخیر در کشورمان چنان سرعتی داشته که انکار آن حتی از سوی تنگ نظرترین منتقدان امکان پذیر نیست و بارزترین نمونه‌های آن در ژنتیک، فیزیک هسته‌ای، نانو، و علوم مرتبط با آن توان نظامی بوده است. همچنین در حوزه پزشکی موفقیت‌های چشمگیری به ویژه در زمینه بهداشت عمومی حاصل شده که از آن جمله می‌توان به دسترسی شهرهای کوچک و روستاها به خدمات مسورد نیاز پزشکی، کاهش هزینه‌های درمان و مبارزه با بیماری‌های واگیر و تولید بسیاری از داروهای با ارزش اشاره کرد. به علاوه وجود پزشکان حاذق و با دانش بالا در بسیاری رشته‌ها و انجام جراحی‌های پیچیده و پیوندهای موفق اعضا موجب شده تا این شاخه علمی نزد مردم و حتی در جوامع بین‌المللی برای خود ابروی دست و پا کند. اما در زمینه آموزش پزشکی تغییر عمده‌ای به چشم نمی‌خورد که این موضوع می‌تواند آینده‌ای نامیدکننده را برای علم پزشکی کشورمان ترسیم کند. در واقع آموزش پزشکی، تولید و انتقال علوم پزشکی در ایران سرعت و کیفیت مسورد انتظار را ندارد که در اینجا به بررسی برخی نقاط ضعف و رمزگشایی از بعضی علل آن می‌پردازم. لازم به ذکر است که منظور از آموزش پزشکی در اینجا تنها انتقال اطلاعات نوشته شده در کتاب‌های آمریکایی از سوی استاد به دانشجو نیست، بلکه مقصود، تمام امور مرتبط با علم پزشکی از تولید اطلاعات تا آنالیز آن، ارابه مناسب، بهینه و کارآمد به دانشجویان مستعدی است که بیشتر آن‌ها از باهوشترین و خوش‌فکرترین جوانان ایران هستند. نکته قابل تأمل اینجاست که ما در نظام آموزش پزشکی کشور با سرمایه‌های بسیار از رشتی از جوانان ایرانی روبرو هستیم که در کشور‌های سراسری گوی سبقت را از صدها هزار نفر دیگر ربوده اند و حال در کلاسی نشسته اند تا نظام آموزشی کشور آن‌ها را از علم و دانش به معنی واقعی کلمه سیراب کند. در ابتدا باید اشاره کرد که بزرگترین نقطه قوت نظام آموزشی پزشکی در ایران رایگان بودن آن است که فرصتی استثنایی برای دانشجویان فراهم می‌کند.

پدر سم شناسی پزشکی ایران در گفت‌وگو با قدس عنوان کرد

وزارت بهداشت توجهی به رشته سم شناسی بالینی ندارد



سمت استادیار و سرپرست بخش مسمومین بیمارستان امام رضا (ع)، وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد مشغول به کار شدم و از سال ۱۳۷۰ به مقام استادی گروه آموزشی بیماری‌های داخلی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارتقا یافته‌ام.

چه شد که تخصص سم شناسی را انتخاب کردید؟

پیش از اینکه وارد رشته پزشکی شوم دانشجوی شیمی بودم. سال اولی که وارد رشته پزشکی شدم دانشجوی سال سوم شیمی هم بودم. همزمان با رشته پزشکی، کارشناسی شیمی را هم به اتمام رساندم. به همین دلیل پس از اینکه دانش آموخته پزشکی شدم همواره در جست و جوی ارتباط بین شیمی و پزشکی بودم. ابتدا قصد غزیمت به خارج برای تحصیل در دوره سم شناسی بالینی داشتم اما به دلیل شرایط تحصیلی همسر منظر ماندم تا تحصیل ایشان تمام شود.

خرداد سال ۵۷ بورس وزارت علوم و وام‌اموریت دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای گذراندن دوره تخصص سم شناسی بالینی در دانشکده پزشکی دانشگاه ادینبورگ عازم بریتانیا که مهم‌ترین مرکز درمان مسمومین دنیا بودم و تخصص سم شناسی بالینی را خواندم.

آقای دکتر از خودتان برایمان بگویید.

۱۵ شهریور ۱۳۷۱ شمسی در روستای مود می‌روید و زاهدان و متوسطه را در دبیرستان شوکتی پی‌ریزید به پایان رساندم. خرداد سال ۳۳ لیسانس شیمی و خرداد ۴۹ موفق به دریافت دکتری پزشکی شدم. دو سال بعد از آن یعنی در سال ۵۱ به عنوان مربی پزشکی قانونی و مسمومین دانشکده پزشکی مشهد استخدام و سال ۵۴ به سمت استادیاری و سرپرستی بخش مسمومین بیمارستان امام رضاع) منصوب شدم.

وضعیت رشته تخصصی سم شناسی پزشکی را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من از سالی که به ایران بازگشتم دنبال ارتقای این رشته بودم و توانستم انجمن سم شناسی پزشکی را با کمک همکاران تأسیس کنم. همایش‌های بین‌المللی متعددی در این حوزه برگزار کردیم و با تشکیل کمیته شیمیایی در کشور شیمیایی تشخیص و درمان مسمومین شیمیایی جنگی را علاوه بر دانشگاه علوم پزشکی مشهد در دانشگاه‌های اصفهان، تهران، رشته تدریس می‌کردم تا اینکه با توسعه این رشته ارتباط علمی بین سال‌های ۸۴ و ۸۵ برای نخستین بار در منطقه آسیا تخصص و فوق تخصص مسمومیت‌ها، مرزاد ماه همان سال با عنوان استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه ادینبورگ استخدام و در مرکز درمان شناسی و درمان مسمومین بیمارستان سلطنتی این شهر مشغول به کار شدم. آن سال‌ها همه جا صحبت از جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان بودم و همسرم که فوق تخصص دندانپزشکی کودکان بود از طریق رسانه‌های بریتانیا متوجه شدیم صدام قصد حمله شیمیایی به ایران را دارد و من می‌دانستم که در کشور کشورمان سم شناسی بالینی یا همان سم شناسی پزشکی نداریم.

به همین دلیل دی ماه سال ۱۳۶۰ یعنی یک سال قبل از حمله شیمیایی عراق به ایران با عشق خدمت به وطن به کشور بازگشتم و با

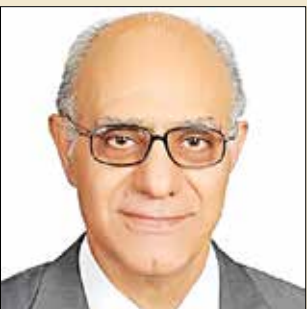
بیشتری داشته باشد به همین دلیل پزشکان محدودی به این تخصص گرایش دارند.

وضعیت آموزش این رشته در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران چه تفاوتی بسا آموزش در دانشگاه‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی دارد؟

شرایط کشور ما به لحاظ مسمومیت‌ها با بسیاری از کشورها متفاوت است. ما به لحاظ آموزش‌های تخصصی در منطقه حرف اول را می‌زنیم و متخصصان سایر کشورهای منطقه و کشورهای آسیایی برای گذراندن دوره فلوشیپ سم شناسی پزشکی به ایران می‌آیند ضمن آنکه در دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی نیز مورد قبول کشورهای اروپایی و آمریکایی هستیم. اما متأسفانه در مقایسه با دانشگاه‌های علوم پزشکی کشورهای صنعتی وضعیت قابل قبولی نداریم. زیرا به رغم اینکه با عوارض داروهای شیمیایی بیشتر از کشورهای صنعتی سر و کار داریم، دانشجویان ما در دوره پزشکی عمومی تنها دو واحد سم شناسی و مسمومیت‌ها را می‌گذرانند ضمن آنکه طی دوره کارورزی نیز مدت بسیار کوتاهی در بخش مسمومیت‌ها حضور می‌یابند.

به عنوان پدر سم شناسی پزشکی ایران چه توصیه‌ای برای دانش آموزانی که می‌خواهند این رشته را به عنوان رشته تخصصی و یا فوق تخصص خود انتخاب کنند دارید؟

من همیشه به همکاران جوانم توصیه می‌کنم اگر می‌خواهند برای رضای خدا کار کنند و عاشق خدمت به مردم هستند پزشک این رشته را انتخاب کنند تا از نفس خدمت لذت ببرند. اما اگر دنبال مادیات هستند سراغ این رشته نزنند.



آقای دکتر مهمترین دغدغه حرفه‌ای شما و همکارانتان در این حوزه چیست؟

به رغم اینکه میزان مسوم در ابعاد مختلف (آلودگی آب، هوا، مواد غذایی و سموم موجود در صیفی جات) در کشور ما افزایش یافته، مسئولان بهداشت در دانشگاه‌های اصفهان، تهران، رشته تدریس می‌کردم تا اینکه با توسعه این رشته ارتباط علمی بین سال‌های ۸۴ و ۸۵ برای نخستین بار در منطقه آسیا تخصص و فوق تخصص سم شناسی بالینی را در بیمارستان امام رضاع) مشهد تأسیس کنیم و از رشته‌های داخلی، اطفال، طب اورژانس و... فلوشیپ سم شناسی بالینی پذیرش کنیم که اکنون در سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مشغول کار هستند و برخی از آن‌ها نظیر دکتر محمد عبدالمطلبی که جزو یک درصد دانشمندان سم شناسی بالینی جهان محسوب می‌شود و بیشتر تالیفات این رشته را انجام داده است در سطح جهان بی نظیر هستند.

اکنون به لحاظ نیروی انسانی وضعیت خیلی خوبی داریم اما متأسفانه به رغم نیاز کشور هنوز برخی از دانش آموختگان این رشته جذب مراکز درمانی نشده و بیکارند.

کشورهای نظیر سنگاپور، مالزی و ترکیه در این زمینه آموزش‌های عمومی گذاشتند تا صورت بروز چنین واقعه‌ای تلخ، مردم کشورشان آماجگ لازم‌برای مقابله و پیشگیری از آلودگی به این گازها را داشته باشند.

انجمن سم شناسی بالینی ایران در مقایسه با کشور خودمان در سازمان بهداشت جهانی، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و سایر کشورهای شناخته شده تر است و آن‌ها به تولیدات علمی ما در این حوزه توجه بیشتری دارند و همواره از کنگره‌های بین‌المللی ای که در این حوزه برگزار می‌کنیم استقبال می‌کنند. به عنوان نمونه من کتابی با عنوان «راهنمای درمان مجروحان جنگی» حمایت سازمان منع سلاح‌های شیمیایی به زبان لاتین تألیف کرده‌ام که ابتدای سال جاری به صورت رایگان در اختیار تمام کشورهای قرار گرفته و بیشتر کشورهای جمله ترکیه آن را به زبان خود ترجمه کرده و در اختیار ناهای و سازمان‌های دولتی قرار داده اند. اما متأسفانه هنوز مسئولان ما نسبت به ترجمه این کتاب به زبان فارسی اقدامی نکرده‌اند.

اقبال دانش آموختگان پزشکی به این رشته چگونه است؟

طی این سال‌ها به بعد اقتصادی رشته سم شناسی بالینی توجهی نداشته‌ایم به همین دلیل این رشته مورد اقبال متخصصان پزشکی نیست و تنها متخصصان جذب این رشته می‌شوند که توجهی به مادیات ندارند. متأسفانه طی سال‌های اخیر به دلیل شرایط اقتصادی کشور، همکاران جوان ما گرایش مادی بیشتری پیدا کرده‌اند و اقبال کمتری به این قبیل رشته‌ها دارند و ترجیح می‌دهند رشته‌ای را انتخاب کنند که بازار کار بهتر و درآمد

آسیب دیدگان به نحو مناسبی حمایت کرد. اما متأسفانه هیچ یک از این موارد مشاهده نمی‌شود و حتی مرگ عزیزان برای مسئولان یک روزه به فراموشی سپرده می‌شود بدون توجه به اینکه نجات جان انسان‌های بسیاری، با به خطر افتادن جان این عزیزان حاصل می‌شود؛ عزیزی که به خاطر دغدغه‌های شغلی و در مقایسه با سایر اقشار جامعه زمان کمتری را در کنار خانواده و فرزندانشان سپری می‌کنند.

سوزنی مهم‌ترین دغدغه حرفه‌ای دانش آموختگان پزشکی در این حوزه تخصصی محسوب می‌شود. چرا که اگر طب سوزنی توسط افراد غیر متخصص در حوزه طب پزشکی اشراف ندارند، انجام شود، ممکن است در فرایند درمان خطایی انجام دهند که بیماران به نتیجه مطلوب نرسند. به همین دلیل بایسته است متولیان امر نظارت دقیق تری بر این حوزه داشته باشند تا دیدگاه مردم نسبت به طب سوزنی که یک طب علمی و تأیید شده از سوی سازمان بهداشت جهانی است تغییر پیدا نکند.

ما اکنون در کشور انجمن علمی طب سوزنی داریم که مخاطبان می‌توانند توسط سایت انجمن، پزشکان این حوزه را شناسایی کنند و از آخرین دستاوردهای علمی این طب مطلع شوند و با اطلاع کافی برای درمان اقدام کنند.

زیرا طب سوزنی یکی از بهترین شاخه‌های طب مکمل در دنیا است که در کنار طب کلاسیک (پزشکی رایج) برای درمان بیماری‌های مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما متأسفانه در



پیام تسلیتی موضوع را جمع کرده‌اند و حتی حاضر نیستند مجلس را برایشان اجرا کنند.

بی‌شک در بین کارکنان نظام سلامت، همکاران اورژانس ۱۱۵ مظلومترین قشر هستند که از کمترین امنیت در حین کار، کمترین حمایت در حوادث، کمترین دریافتی و... برخوردارند. به طور حتم حوادث، قابل حذف نیستند اما می‌توان با تدابیر مناسب آن‌ها را به حداقل رساند و پس از حادثه نیز از

حرف‌ها و حرفه‌ها

مظلوم ترین گروه نظام سلامت

سامانه پیامکی: ۳۰۰۷۲۷۲۷۴

جامعه حرفه‌ای / ملیحه معدنی | اینجا قرار است شما از خودتان، دغدغه‌ها و تلخی‌ها و شیرینی‌های کار حرفه‌ای‌تان برایمان بنویسید. می‌خواهیم بلی باشیم بین خودمان، شما و آنهايي که قرار است گوش شنوایی باشند یا گری‌ها از کار دیگری باز کنند. پیام‌هایمان را به سامانه ۳۰۰۷۲۷۲۷۴ ارسال کنید. برای اینکه دیگران پیام شما را در همین صفحه بخوانند می‌توانید ابتدای پیام خود عبارت «جامعه حرفه‌ای» را ذکر کنید.

(۸۸۰-۹۱۲) متأسفانه طی یکی دو سال گذشته شاهد حوادث بسیار ناگوری بی‌ساز همکاران اورژانس‌های پیش بیمارستانی و البته همکاران بیمارستانی حین اعزام بیماران، در زمین و در هوای بودیم، هر بار مسؤوولان با نیمه حضوری یا تنها

ظاهر حرفه‌ای

حرفه من، حرفه تر مومتر هاست

جامعه حرفه‌ای / الهام محمد زاده

مشغول گرفتن فشار خون بیماران بودم که استین یکی از بیماران را بالا زدم (اتروفی (تحلیل عضلانی شدیدی بیمار را درگیر کرده بود. خانم جوانی که مبتلا به سرطان کبد بود، درست در ابتدای شفیت، تحریب روحیه شده بود. شرایطی وصف ناشدنی و برای اولین بار بود که مشاهده کردم. کاف فشار سنج بسیار بزرگ بود آنقدر بزرگ که به سادگی می‌شد دو دور تمام بپیچش. تاملی کردم و به استیشن برگشتم و گفتم چقدری که متعلق به اطفال بود را فراهم کردم ولی هر چقدر تلاش کردم چیزی که می‌خواستیم مسیر ندهد.

از اینکه از گرفتن یک علایم حیاتی ساده و مانده بودم حس خوبی نداشتم. گوشه فشار سنج را گذاشتم و برگشتم تاره حلی برای مشکلم پیدا کنم در حالی که در عالم دیگری بودم و به فکر راه چاره.

با ضربه ای به تراسی اورژانس سر خوردم و تراسی از جایش کنده شد و به وسط سالن سر خورد. من فقط تمام تاشم را کردم که زمین نخورم. کسی از یکی از بیماران نیاز به cpt (احیا) پیدا کرده بود و بقیه پرسنران تا آمدن تیم احیا برای cpt به اتاقی که در انتهای سالن بود رفتند.

تمام بخش در یک آن به هم ریخت سرتراسی را گرفتم و همه برنامهای را که ردیف کرده بودم کنار گذاشتم. به سمت اتاق رفتم. در فضای مناسبی نداشتم و رطوبت و گرمای آزار دهنده ای اتاق را فر گرفته بود.

نیوازی که به بالای سر بیمار روشن بود را جابه جا کردم تا مزاحم نباشند. در اوجم با یک کد ۱۹۹ پیچ کردیم و چیزی نگذشت که پزشک بیپهویی و سربروایز حضور پیدا کردند. ماساژ قلبی که انرژی زیادی می‌طیبد و دو ساعت تمام به طول انجامید کشور خواهد شد.

دغدغه حرفه‌ای

مدیریت حوزه سلامت را به اهلهش بسپارید



جامعه حرفه‌ای / بهاره سادات حسینی

پرستاری در کشور ما رشته‌ای شناخته شده است، به حدی که بیشتر افراد با شنیدن نام پرستار، به یاد تزریقات و کمک‌های اولیه می‌افتند. در حالی که پرستار یک عضو مهم در تیم مراقبت بهداشتی و پزشکی است و در مراقبت و حمایت‌های روحی، جسمی و حتی پذیرش و آماده‌سازی بیمار فعالیت چشمگیر دارد.

دریافت خدمات درمانی ایمن با قیمتی کمتر برای مردم همواره دغدغه اساسی رسانه‌ها و نهادهای صنفی حوزه بهداشت و درمان بوده است. بنابر این اگر بخواهیم خدمات بهداشتی و درمانی وزارت بهداشت را بررسی کنیم ۶۰ درصد این خدمات از سوی پرستاران ارائه می‌شود و این گروه در حوزه سلامت بسیار تأثیر گذار هستند. در کشورهای موفق دنیا حوزه سلامت توسط پرستاران مدیریت می‌شود زیرا جمعیت آن‌ها در حوزه سلامت بیش از سایر حرفه‌های درمانی است ضمن آنکه در خط اول ارائه خدمات درمانی به مردم قرار دارند و مشکلات آن‌ها را درک می‌کنند. بنابر این اگر دولت و مسؤوولان در حوزه سلامت دغدغه مردم را دارند باید موانع خدمتی گروه پرستاری را رفع کنند تا پرستاران بتوانند با انگیزه و طیب خاطر ارائه خدمت کنند. اگر جامعه پرستاری به هر دلیل نتواند این خدمات را ارائه دهد، مردم دچار خسارت خواهند شد و این خسارت در حوزه سلامت غیر قابل جبران است. اکنون بیماران کمتر از ۵۰ درصد از خدمات پرستاری بهره مند می‌شوند و این اتفاق ناخوشایندی در نظام سلامت است که یک روزه رخ نداده و جرقه آن از دهه ۷۰ زده شده است. یعنی همان زمانی که وزارت بهداشت طرحی با عنوان «طرح نون خود گردانی بیمارستان‌ها» را اجرا کرد و مقرر شد پزشکان علاوه بر حقوقی که می‌گیرند ۶۵ درصد هزینه عمل بیماران را هم دریافت کنند. این درحالی است که بیمارستان و تجهیزات متعلق به دولت است و تمام تیم درمان با هم کار می‌کنند اما متأسفانه

کتابخانه تخصصی

سایکوفارماکولوژی

روش‌های تحریک مغز



دکتر **حرفه‌ای / الهام بحرینی** | کتاب «سایکوفارماکولوژی و روش‌های تحریک مغز» نوشته کاپلان و سادوک توسط دکتر علیرضا ابراهیمی، متخصص روانپزشکی ترجمه و به زودی از سوی انتشارات تیمورزاده منتشر خواهد شد.

این کتاب ابراهیمی که پیش از ترجمه این کتاب کتاب «دسترسی سریع به ملاک‌های تشخیصی اختلالات روانپزشکی DSM-V» را نیز ترجمه کرده است در گفت و گو با عنوان «تنج درمانی الکتریکی»، «سایر روش‌های تحریک مغز» «درمان‌های جراحی اعصاب و تحریک عمقی مغز» می‌شود و بخش سوم نیز از فصل‌هایی با عنوان‌های «بررسی‌های آزمون دانشنامه تخصصی (بورد) گواهینامه (ارتقاء) دانشگاه‌های ایران» و «پاسخنامه کلیدی آزمون دانشنامه تخصصی (بورد) گواهینامه (ارتقاء) دانشگاه‌های ایران» تشکیل شده است.

وی ادامه می‌دهد: قسمت اصول داروشناسی این کتاب با مقدار اندکی تلخیص همراه است که نکات ذکر شده در آن از اهمیت بالینی یا احتمالی برخوردار نبوده‌اند. اما سایر بخش‌ها به طور کامل ترجمه شده است.

وی با بیان اینکه در روانپزشکی مدیریت درمان و مداخله‌های دارویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که ممکن است در اختلال‌های روانپزشکی و یا اختلال‌های طبی همراه اتفاق افتد می‌افزاید: توجه به این مداخله‌ها موجب افزایش موفقیت درمان و در پی آن افزایش اعتماد بیمار به درمانگر می‌شود.

دکتر ابراهیمی ادامه می‌دهد: کتاب «سایکوفارماکولوژی و روش‌های تحریک مغز» شامل سه بخش با عنوان‌های «داروشناسی»، «روش‌های تحریک مغز» و همچنین بخش «نونه سوال‌های بورد و گواهینامه»